

How Iran Takes a Position Against the Formation of the Confederation of Sheikhs in the South of the Persian Gulf (1968-1970)

Mohammad Jafar Chamankar*

Abstract

Iran's regional policy in the Persian Gulf and the Oman Sea underwent deep transformations in the 1940s/60s as a result of a series of internal developments and international approaches. The withdrawal of British forces from the Persian Gulf region and the Oman Sea and the emergence of a power vacuum, the issue of Bahrain and the formation of the South Persian Gulf Sheikh Federation were among the most important events that Iran was challenging and confronting in various ways. At the end of this decade, the small emirates south of the Strait of Hormuz, whose foreign and defense policy was managed by England and lacked independent political and administrative focus, demanded the formation of a kind of confederation. Iran opposed the establishment of this confederation. The purpose of this article is to examine the reasons for the strong opposition of the second Pahlavi government to the formation of the Federation of Persian Gulf Sheikhs at this point in time. In the end, it is concluded that due to the presence of Bahrain in this union, which Tehran considered to be part of its sovereignty, Iran opposed it, because from Tehran's point of view, Bahrain was considered a part of the country of Iran, and it was naturally possible to join it arbitrarily. There were no foreign treaties. Iran agreed to it only when the issue of Bahrain and the return of the three islands was concluded after complex negotiations behind the scenes.

Keywords: Iran, Persian Gulf, Bahrain, Confederation of Sheikhs, Position.

* Department of History, Urmia University, Urmia, Iran, outhstar_boy@yahoo.com

Date received: 2022/11/19, Date of acceptance: 2023/04/10



چگونگی موضع گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون شیوخ جنوب خلیج فارس (۱۳۴۶-۱۳۴۹ ش)

محمدجعفر چمنکار*

چکیده

سیاست منطقه ای ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان در دهه ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۰ م در نتیجه مجموعه تحولات داخلی و رهیافت های بین المللی دچار دگرگونی های عمیقی گشت. خروج نیروهای انگلستان از منطقه خلیج فارس و دریای عمان و بروز خلأ قدرت، مسئله بحرین، و تشکیل فدراسیون شیوخ جنوب خلیج فارس از مهم ترین روی دادهایی بود که ایران به شکل های مختلف با آن در حال چالش و تقابل بود. در اواخر این دهه، امارت های کوچک جنوب تنگه هرمز، که سیاست خارجی و دفاعی آنان به وسیله انگلستان اداره می شد و فاقد تمرکز سیاسی و اداری مستقل بودند، خواستار تشکیل نوعی کنفدراسیون گشتند. ایران با تأسیس این کنفدراسیون به مخالفت پرداخت. هدف از این نوشتار بررسی علل مخالفت شدید دولت پهلوی دوم در برابر شکل گیری فدراسیون شیوخ خلیج فارس در این مقطع زمانی است. در پایان، نتیجه گرفته می شود که ایران به علت حضور بحرین در این اتحادیه، که تهران آن را بخشی از حاکمیت خود می دانست، با آن به مخالفت پرداخت؛ زیرا، از دیدگاه تهران، بحرین بخشی از کشور ایران محسوب می شد و به صورت طبیعی، امکان الحاق خودسرانه آن به معاهدات خارجی وجود نداشت. ایران تنها هنگامی که مسئله بحرین و بازگشت جزایر سه گانه پس از مذاکرات پیچیده پشت پرده به نتیجه رسید با آن موافقت کرد.

کلیدواژه ها: ایران، خلیج فارس، بحرین، کنفدراسیون شیوخ، موضع گیری.

* دانشیار تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران، southstar_boy@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۱



۱. مقدمه

چگونگی برخورد با مسئله تأسیس کنفدراسیون شیوخ جنوب خلیج فارس باتوجه به عضویت بحرین، که ایران آن را بخشی از خاک خود می‌دانست، یکی از مهم‌ترین چالش‌های حاکمیت پهلوی دوم در اواخر دهه ۱۳۴۰ ش/ ۱۹۶۰ م است. نوشتار حاضر برای پاسخ‌گویی به علت موضع‌گیری ایران در برابر این روی‌داد با استفاده از شیوه کتاب‌خانه‌ای و برپایه استفاده از منابع اصلی از جمله مطالعه روزبه‌روز نشریات و اسناد غیرمنتشره آرشیوهای مختلف به‌خصوص سازمان اسناد ملی ایران شکل گرفته است. انتشار برخی از اسناد اهدایی اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه ایران (۱۳۴۵-۱۳۵۰ ش) و آخرین سفیر شاه در آمریکا، به مؤسسه هوور در دانشگاه استنفورد آمریکا در سال ۱۳۹۴ نقطه عطفی در شناخت بخش مهمی از زوایای تاریخ، ابهامات، و سؤالات بی‌پاسخ درمورد شکل‌گیری کنفدراسیون شیوخ و ارتباط آن با موجودیت سیاسی بحرین بوده است. تا آن‌جا که نگارنده می‌داند، تشکیل کنفدراسیون امارت‌های جنوب تنگه هرمز و تقابل و تعامل با آن یکی از کم‌شناخته‌ترین مسائل تاریخ معاصر ایران و منطقه خلیج فارس است که به‌جز کتاب نقش‌آفرینی ایران در خلیج فارس، نگارش محمدجعفر چمنکار در سال ۱۳۹۶، تاکنون به آن پرداخته نشده است. در نتیجه، این پژوهش تنها می‌تواند بایی برای مطالعات بهتر و افزون‌تر باشد.

۲. تلاش ایران برای اعاده قدرت و حاکمیت سرزمینی در خلیج فارس پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تثبیت تدریجی پایه‌های حکومت پهلوی دوم، فرایند نوین توسعه نقش‌آفرینی ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان آغاز گردید. پس از سقوط دولت مصدق، روابط ایران و انگلستان، که در رکود کامل به‌سر می‌برد، جریان یافت. تحرکات سیاسی و اقتصادی فی‌مابین از ۱۴ آذر ۱۳۳۲ مجدداً آغاز شد، اختلافات نفتی برطرف گردید، و نیروهای نظامی بریتانیا آب‌های ساحلی ایران را ترک کردند (استادوخ ۱۳۳۲: ۱-۱۲-۶). در فروردین ۱۳۳۵/ ۱۹۵۶، مقارن با دولت حسین علاء (اول فروردین ۱۳۳۴ تا ۱۲ فروردین ۱۳۳۶/ ۱۹۵۵ تا ۱۹۵۷ م)، وزارت امور خارجه ایران به‌ریاست علیقلی اردلان (۱۳۶۵-۱۲۷۸ ش) اسناد حاکمیت بر بحرین را انتشار داد و این موضوع در مجلس شورای ملی مطرح گردید (آوری ۱۳۶۸: ۹-۱۵۸؛ مجله اطلاعات هفتگی ۱۳۳۵: ۳۱-۳۲؛ نشریه خوشه ۱۳۳۵/۱/۱۷: ۶-۷). بر این اساس، بحرین «ملک مطلق» ایران محسوب می‌گشت (مجله روشن فکر ۱۳۳۵/۱/۱۶:

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۳۵

۴-۵). هیئت وزیران مقارن با دولت دکتر منوچهر اقبال (۱۴ فروردین ۱۳۳۶ تا ۶ شهریور ۱۳۳۹/۱۹۵۷ تا ۱۹۶۰ م) لایحه‌ای را برای تقدیم به مجلس شورای ملی و سنا تصویب کرد که بحرین را استان چهاردهم ایران معرفی کرد (زرین‌قلم ۱۳۳۷: ۲۹۲-۲۹۴). به موجب لایحه جدید تقسیمات کشوری، بحرین، سیستان، لرستان، و کردستان هریک به صورت استان جداگانه‌ای درآمده و ایران به جای ده استان دارای چهارده استان گردید (مجله تهران مصور ۱۳۳۶/۱۰/۷: ۳-۴). تصمیم دولت مخصوصاً از این لحاظ مهم بود که بحرین نیز به طور رسمی به صورت یکی از استان‌های ایران درآمده و پس از تصویب لایحه جدید تقسیمات کشوری در مجلسین، دولت موظف بود برای احراز حق حاکمیت ایران بر بحرین دست به اقدامات جدی و اساسی بزند (ساکما، ۲۳۰/۳۸۵۵۴؛ مجله بامشاد ۱۳۴۲/۱۱/۷: ۸؛ مجله امید/ایران ۱۳۳۶: ۵). این روی داد مورد اعتراض شدید انگلستان قرار گرفت. سه روز پس از مصوبه هیئت دولت، جان راسل (John Russell)، کاردار سفارت انگلیس در تهران، پس از دیدار با دکتر اردلان، وزیر امور خارجه وقت ایران، به این تصمیم اعتراض کرد و بحرین را تحت‌الحمايه انگلیس خواند. نماینده‌ای از اعضای مجلس عوام انگلیس هم طی نطقی به ایران حمله و تهدید کرد انگلیس با توسل به زور مقابل این تصمیم ایران خواهد ایستاد. هم‌زمان با اعتراض انگلیسی‌ها، نمایندگان مجلس ایران نیز در نطق‌های متعددی با حمایت از این تصمیم دولت به مسئولان لندن پیوندهای تاریخی ایران و بحرین را یادآور شدند. چنان‌که ارسال خلع‌تبری (۱۲۸۳-۱۳۵۵ ش)، نماینده مردم بابل، در جلسه ۱۳۲ مجلس نوزدهم شورای ملی (پنج‌شنبه ۲۳ آبان ۱۳۳۶) بحرین را همواره بخشی از ایران دانست (تاریخ ایران ۱۳۹۰: ۱-۴). مجله خواندنی‌ها نیز در شماره سه‌شنبه ۲۸ آبان این سال/ ۱۹ نوامبر ۱۹۵۷ به لایحه جدید، واکنش‌های دولت انگلستان، و سیاست‌های ایران پرداخت و عنوان کرد که «در وضع موجود بحرین جزو لایتنج‌زای ایران است (مجله خواندنی‌ها ۱۳۳۶/۸/۲۸: ۸).

کشورهای تندرو عرب به‌ویژه مصر و عراق نیز با محکومیت ایران بحرین را بخشی از سرزمین ملت عرب دانستند. این نظریه در سال ۱۳۳۳ ش/ ۱۹۵۴ م به تصویب اتحادیه عرب رسیده بود. در کنفرانس قاهره در سال ۱۳۳۶ مصر پیش‌نهاد اعطای خودمختاری به بحرین را مطرح کرد (روزنامه فرمان ۱۳۳۶/۱۰/۱۸: ۱). وزیر امور خارجه ایران در واکنش به این اظهارات اعلام کرد که ایران هرگونه اقدامی را که برای تثبیت حاکمیت خود بر بحرین لازم بداند اجرا خواهد کرد (هوشنگ مهدوی ۱۳۶۸: ۲۱۵). اردلان طی سخنانی در جلسه ۱۳۹ مجلس نوزدهم شورای ملی در روز یک‌شنبه ۱۷ آذرماه ۱۳۳۶ از موضع‌گیری انگلیسی‌ها ابراز تأسف کرد و در سخنانش به اسنادی تاریخی از حاکمیت ایران بر بحرین اشاره کرد (تاریخ

ایران ۱۳۹۰: ۴-۵). شاه نیز در یک مصاحبه مطبوعاتی در آبان ۱۳۳۷/ نوامبر ۱۹۵۸ تأکید کرد که بحرین جزء لاینفک ایران است و وفاداری و ابراز تمایل حکمران وقت بحرین به تهران را به عنوان یک استان دار وابسته با خشنودی تلقی می کند (چمنکار ۱۳۸۴: ۱۴۹). در همین سال، نمایندگی ایران مذاکرات مربوط به حق حاکمیت ایران بر بحرین را در سطوح بین المللی ادامه داد (ساکما، ۲۳۰/۷۴۰۶). مقارن با این تحولات، مقامات ایران به اقدامات دولت انگلیس، که منامه بحرین را به عنوان یک بندر آزاد اعلام کرده بود، شدیداً اعتراض کردند (چمنکار ۱۳۹۶: ۳۰۰). به گفته منوچهر سعیدوزیری (۱۲۹۹-۱۳۹۲ ش)، نماینده مجلس و سردبیر روزنامه اطلاعات، طرح هایی برای تصرف ناگهانی بحرین از سوی ساواک به ریاست تیمور بختیار در اوایل دهه ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۰ م تهیه شده بود که به مرحله اجرایی منتهی نگشت (سعیدوزیری ۱۳۸۷: ۴۹۲-۴۹۵).

۳. مسئله تشکیل فدراسیون امارات جنوب خلیج فارس

انگلستان در اواخر ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۰ م در دوران حکومت کارگری جیمز هارولد ویلسون (James Harold Wilson) (۱۹۱۶-۱۹۹۵ م) تحت تأثیر برخی از تحولات منفی داخلی و خارجی تصمیم به خروج نیروهای خود از منطقه خلیج فارس گرفت. هم زمان با این تحولات، مسئله تشکیل کنفدراسیون (confederation) امارات خلیج فارس متشکل از بحرین، قطر، و شیوخ هفت گانه ابوظبی، دبی، شارجه، راس الخیمه، ام القوین، عجمان، و فجیره مطرح و یکی از گزینه های دولت انگلستان برای استمرار نفوذ و حفظ منافع در منطقه خلیج فارس و دریای عمان پس از خروج کامل نیروهای خود محسوب گردید (Beck 1978: 78). براساس نظام کنفدراسیون، با اتحاد چند ناحیه یا امارت نشین، یک دولت واحد تشکیل می گشت، اما هر کدام استقلال داخلی و خودمختاری خود را داشتند (هفته نامه صوت الخلیج ۱۹۶۹: ۱؛ روزنامه السرای العام ۱۹۶۹: ۱). مقامات ایران بر این عقیده بودند که تشکیلات عشایری و سازمان کنفدراسیون شیوخ خلیج فارس امکان سازگاری و آمیزش واقعی با یکدیگر را ندارند و سرنوشت این فدراسیون به همان نتیجه ای خواهد رسید که فدراسیون ناکام و فروپاشیده کشورهای عربستان جنوبی، یمن، و عدن در گذشته به آن دست یافتند (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۳/۸: ۱، ۴؛ روزنامه آیندگان ۱۳۴۸/۱۰/۱: ۳). با وجود این، حاکم بحرین در ۸ اسفند ۱۳۴۶ / ۲۷ فوریه ۱۹۶۸ قرارداد الحاق به کنفدراسیون شیوخ خلیج فارس را امضا کرد و از این تاریخ تقابل ایران با آن آغاز شد (نهادندی و یوماتی ۱۳۹۲: ۵۸۵).

۴. چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تأسیس کنفدراسیون شیوخ خلیج فارس

۱.۴ مخالفت شدید تا پیش از حل مسئله بحرین و جزایر سه‌گانه

تقابل ایران و انگلیس در دهه ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۰ م در حوزه خلیج فارس ادامه یافت. از سال ۱۳۴۷ ش / ۱۹۶۸ م، با طرح تشکیل فدراسیون شیوخ کوچک خلیج فارس، که بحرین را نیز در بر می‌گرفت، این فرایند تشدید گشت. به‌منظور اثبات حاکمیت بر بحرین، مجموعه‌ای از اسناد تاریخی در آرشیوهای بریتانیا به‌وسیله ابراهیم تیموری، مورخ ایرانی، گردآوری شد (میلانی ۱۳۹۲: ۴۰۹). اگرچه بحرین با حمایت انگلستان به‌عنوان عضو ناظر وارد برخی مراجع بین‌المللی شد (نهادندی و بوماتی ۱۳۹۲: ۵۸۵)، از دیدگاه ایران، حضور آن در تمام سازمان‌ها و محافل رسمی سیاسی و حقوقی بین‌المللی غیرقانونی محسوب می‌گردید (هوشنگ مهدوی ۱۳۸۷: ۴۲). این مسئله یکی از موارد مهم کلیدی از پنج اصل مبانی موضع ایران در برابر بحرین بود (نهادندی و بوماتی ۱۳۹۲: ۵۸۵).

در روز دوشنبه ۱۲ فروردین ۱۳۴۷ / یکم آپریل ۱۹۶۸، بیانیه رسمی دولت ایران، که به‌وسیله عبدالحسین حمزوی، معاون اطلاعاتی و مطبوعاتی وزارت امور خارجه، در اختیار جراید قرار گرفت، ضمن اعلام حمایت از ثبات و امنیت در خلیج فارس، به حضور بحرین در تشکیل احتمالی فدراسیون شیوخ کوچک خلیج فارس واکنش انتقادی شدیدی نشان داد. براساس این اعلامیه، بحرین جزئی از خاک ایران محسوب می‌شد و امکان شراکت آن در کنفدراسیون شیوخ وجود نداشت:

«انگلستان نمی‌تواند سرزمین‌هایی را که به‌زور و تزویر از ایران جدا کرده است به‌ارث به دیگران ببخشد و دولت ایران کلیه حقوق خود را در خلیج فارس محفوظ نگاه خواهد داشت» (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱/۱۴: ۱، ۱۷؛ گاه‌نامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی [بی‌تا]: ج ۴، ۱۷۲۱). بیانیه دولت ایران بار دیگر مؤید و نشان‌دهنده سیاست مستقل خارجی و حفظ منافع کشور در سطوح منطقه‌ای و جهانی بود. بر این اساس، ایران هرگونه تصمیمی را که درباره آینده خلیج فارس با حمایت نیروهای خارجی گرفته می‌شد تأیید نکرده و در جریان هرگونه تحولی، می‌بایست دیدگاه‌های ایران تأمین گردد. اعلامیه رسمی دولت موردتوجه محافل سیاسی و خبرگزاری‌های گوناگون بین‌المللی قرار گرفت. خبرگزاری فرانسه به بررسی تشکیل فدراسیون شیوخ خلیج فارس در مذاکرات اخیر اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه ایران، و جورج براون (George Brown) (۱۹۱۴-۱۹۸۵ م)، وزیر خارجه وقت انگلیس، اشاره کرد. رادیو لندن تشکیل این کنفدراسیون را موردحمایت جناح‌های تندرو جهان عرب از جمله مصر و

جمال عبدالناصر دانست که به دنبال نفوذ هر چه بیش تر در منطقه بودند. روزنامه فاینشال تایمز (Financial Times) نیز با بررسی این بیانیه عنوان کرد: «از یک لحاظ ایران در خلیج فارس حق دارد؛ زیرا ایران با جمعیتی ۲۶ میلیونی یک اقتصاد سالم و روشن و ارتشی مجهز و قوی در موقعیتی قرار دارد که باید اعراب را وادار به تأمل و اندیشه نماید». نشریه یونایتد پرس (United Press) نیز نوشت که ایران بار دیگر حاکمیت خود نسبت به خلیج فارس را تکرار و تأکید کرد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱/۱۴: ۱۷). تایمز (The Times) لندن نیز با اشاره به کاهش قدرت و نفوذ انگلستان در منطقه خلیج فارس و توجه شیوخ به اقدامات و تصمیمات ایران و عربستان تشکیل فدراسیون امارات را زمینه ای مناسب برای رسوخ اندیشه های چپ گرایانه و مخرب به ویژه از سوی هواداران جبهه انقلابیون عربستان جنوبی، که در محدوده یمن جنوبی و جنوب سلطنت عمان و مسقط فعالیت می کردند، دانست (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱/۱۵: ۱، ۱۷). مقارن با این تحولات، شاه در مراسم افتتاح کارخانه ذوب آهن اصفهان طی سخنانی به رعایت حقوق و منافع ایران در خلیج فارس از سوی قدرت های بزرگ هشدار داد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱/۱۴: ۱۷). هفته نامه اکسپرس (L'Express)، نشریه دست چپی فرانسه، با اشاره به موضع گیری های محکم تهران، آن را نشانه تجدید حیات سیاسی و پی آمدهای مستقیم دگرگونی ها و پیشرفت هایی دانست که ایران در پنج سال اخیر به آن دست یافته است. این نشریه با تأکید بر این موضوع، که ایران خواستار تبدیل خلیج فارس به دریای صلح و آرامش است، سخن شاه را مطرح کرد: «توسل به زور به یک قرن پیش تعلق دارد و ما اجازه نخواهیم داد انگلیسی ها به هر کاری که توانستند در این منطقه دست بزنند» (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱/۲۷: ۱، ۱۷).

مقارن با این تحولات دنیس رایت (Sir Denis Wright) (۱۹۱۱-۲۰۰۵ م)، سفیر انگلستان در ایران، در گزارشی به وزارت امور خارجه بریتانیا در ۱۸ فروردین ۱۳۴۷/۷ آوریل ۱۹۶۸ از مخالفت شاه با الحاق بحرین به کنفدراسیون شیوخ خلیج فارس خبر داد (<https://persian-heritage.com>). در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۷/۸ مه ۱۹۶۸، سفر شاه به عربستان سعودی در اعتراض به مسافرت شیخ بحرین به این کشور و ملاقات با مقامات ریاض و انعقاد قرارداد در مورد ساخت یک پل میان خاک عربستان و بحرین لغو گردید و مقامات ایران اعتراض شدید خود را به دولت مردان عربستان ابلاغ کردند (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۲/۱۸: ۱، ۳). مقارن با تنش فی مابین ایران و عربستان، شاه در مصاحبه ای با روزنامه الرای العام کویت در مورد تشکیل فدراسیون امارات خلیج فارس تأکید کرد که ما معترض این فدراسیون نمی شویم، به شرطی که در تشکیل آن حقوق تاریخی و منطقه ای ما رعایت شود (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۲/۲۲: ۱، ۴).

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۳۹

شاه در ابتدای خرداد ۱۳۴۷/۲۵ مه ۱۹۶۸ دیدگاه‌های مقامات و سیاست ایران درباره تشکیل کنفدراسیون شیوخ کوچک خلیج فارس و مخالفت با «میراث امپریالیسم کهن بریتانیا» را تکرار کرد (روزنامه اطلاعات/۱۳۴۷/۳/۴: ۱، ۲۱). او در مصاحبه‌ای دیگر با سردبیر روزنامه دن، چاپ کراچی پاکستان، به شدت تشکیل فدراسیون شیوخ را مورد انتقاد قرار داد و آن را یک «تمهید امپریالیستی» از سوی سیاست‌مداران استعمار انگلستان دانست تا پس از خروج ظاهری خود از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ م از در دیگری وارد شوند (روزنامه اطلاعات/۱۳۴۷/۳/۶: ۱، ۱۷). هم‌زمان با سیاست منتقدانه ایران، روزنامه تایمز لندن از جلسه حکام شیوخ جنوب خلیج فارس با مشارکت بحرین در امارت ابوظبی گزارش داد. این خبر در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران واکنش‌های تندی را به همراه داشت. از دیدگاه مقامات ایران، طراح و جهت‌دهنده اصلی این گونه جلسات استعمار انگلستان بود (روزنامه اطلاعات/۱۳۴۷/۳/۸: ۱۷).

روزنامه آیندگان در تحلیلی با بررسی تلاش عوامل داخلی و خارجی در تشکیل فدراسیون شیوخ خلیج فارس از موافقت تهران با آن بدون عضویت بحرین خبر داد (روزنامه آیندگان/۱۳۴۸/۳/۱۱: ۲).

با افزایش مخالفت ایران با حضور بحرین در فدراسیون شیوخ خلیج فارس، راه‌کارهایی به وسیله مقامات کشورهای گوناگون با هدف خروج از این بن‌بست مطرح شد. روزنامه تایمز در ابتدای مرداد این سال/۲۶ ژوئیه ۱۹۶۸، خواستار اعطای امتیازات بیش‌تر به ایران گشت (گام‌نامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی [بی‌تا]: ج ۴، ۱۷۵۵). ملک حسن، پادشاه مراکش، که روابط بسیار نزدیکی با تهران داشت، پیش‌نهاد کرد که بحرین از عضویت در این فدراسیون کنار گذاشته شود و در مقابل، ایران از تأسیس آن حمایت کند (روزنامه اطلاعات/۱۳۴۷/۳/۱۴: ۴). خبرگزاری آلمان در ابتدای تیر ۱۳۴۷/۲۵ ژوئن ۱۹۶۸ با استناد به منابع نیمه‌رسمی کویت گزارش داد که در صورت حفظ منابع تهران، ایران به همراه عربستان، کویت، و عراق حافظ صلح و امنیت فدراسیون در حال تشکیل شیوخ خلیج فارس خواهد شد (روزنامه اطلاعات/۱۳۴۷/۴/۴: ۲۱). چگونگی موضع‌گیری و سیاست ایران در قبال فدراسیون شیوخ خلیج فارس در بیانیه‌ای که به وسیله عبدالحسین حمزاوی، معاون مطبوعاتی وزارت امور خارجه، در روز دوشنبه ۱۷ تیرماه ۱۳۴۷/۸ جولای ۱۹۶۸ در اختیار جراید عمومی قرار گرفت مجدداً رسماً اعلام شد. در این بیانیه، با ذکر مطالبی در خصوص سوابق استعمار انگلستان در خلیج فارس و هدف از پی‌گیری این طرح بر مخالفت‌های دولت‌مردان ایران تأکید شد (روزنامه اطلاعات/۱۳۴۷/۷/۱۸: ۱، ۲۱؛ روزنامه کیهان/۱۳۴۷/۴/۱۸: ۱). مقارن با این تحولات، گورنوی رابرتس (Gornoy Roberts)، وزیر مشاور کابینه کارگری انگلستان، در مصاحبه‌ای با احمد جارالله، مدیر روزنامه السیاسیه کویت، در

ابتدای مرداد این سال ضمن اشاره به روابط و پیوندهای طولانی مابین لندن و بحرین عنوان کرد که بحرین سالیان دراز کشور مستقلى بوده و حضور انگلستان در آن با استقلال این امارت منافاتی ندارد. این اظهارات به شدت از سوى سخن گوی وزارت امور خارجه ایران مورد انتقاد قرار گرفت و تأکید شد که دولت و ملت ایران هرگز بحرین را مستقل ندانسته است (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۵/۲: ۱، ۲۱). روزنامه اطلاعات در سرمقاله‌ای با عنوان «بحرین، کشور مستقل؟» با اشاره به این تحولات دعوی استقلال بحرین را جزئی از سیاست کل دولت بریتانیا دانست که در خلیج فارس ظاهر آن عوض شده، اما ماهیت آن تغییری نکرده است و انگلستان هم‌چنان به سیاست کهنه استعماری خود ادامه می‌دهد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۵/۳: ۲). با افزایش انتقادات و موضع‌گیری‌های سرسختانه ایران، تایمز لندن در نوشتاری خواستار اعطای امتیازات بیش‌تر به تهران درازای جلب حمایت آن کشور درمورد تشکیل فدراسیون شیوخ شد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۵/۵: ۱، ۴). براساس این طرح، یک خط میانه در خلیج فارس تعیین می‌گردید و سواحل وسیعی برای اکتشافات نفتی در اختیار ایران قرار می‌گرفت. برای ترسیم این خط میانه و امکان دسترسی ایران به محدوده آبی و ذخایر انرژی بیش‌تر، جزایر سه‌گانه تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی، که از لحاظ تاریخی و حقوقی بخشی از خاک ایران محسوب می‌گردید، به‌صورت رسمی اعاده می‌شد. پس از انتشار نوشتار روزنامه تایمز لندن، خبرگزاری فرانسه اعلام کرد که مقامات انگلستان برنامه‌ای برای مذاکره با دولت ایران در این زمینه ندارند؛ باین‌حال، چاپ مقاله تایمز به‌منزله پرتاب توپ آزمایشی از سوی انگلستان به‌منظور پی‌بردن به عکس‌العمل‌های احتمالی کشورهای ذی‌نفع در منطقه خلیج فارس بود (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۵/۶: ۱، ۴). در همین زمان، اردشیر زاهدی در مصاحبه‌ای اعلام کرد که مخالفت ایران با کنفدراسیون شیوخ تنها به‌علت حضور بحرین نیست و موارد اختلافی دیگر از جمله مناقشه بر سر جزایر را نیز در بر می‌گیرد (روزنامه کیهان ۱۳۴۷/۶/۶: ۱). باوجود برخی تنش‌های تحمیل‌شده بر منطقه خلیج فارس و تلاش درجهت تیره‌کردن روابط همسایگان، ایران همواره یکی از نخستین مناطقی محسوب می‌گردید که رهبران شیخ‌نشین‌های جنوب تنگه هرمز برای بازدیدهای سیاسی و اقتصادی بدان گرایش می‌یافتند. در ابتدای شهریور ۱۳۴۷، حاکم شیخ‌نشین فجیره به تهران مسافرت کرد و ضمن ملاقات با مقامات عالی‌رتبه، از مراکز اقتصادی ایران بازدید کرد. اطلاعات در سرمقاله‌ای با عنوان «وداع با استعمار»، ضمن اشاره به این‌گونه دیدارها، از احترام کامل ایران به حقوق و شئون کشورها و امارات منطقه خلیج فارس باوجود دفاع از منافع خود سخن گفت (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۶/۱۰: ۲). در روز یک‌شنبه ۱۲ آبان همین سال/ ۳ دسامبر ۱۹۶۸، شیخ زاید بن سلطان آل‌نهیان، حکمران ابوظبی، نیز با استفاده از جت شرکت هواپیمایی ایران برای

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۴۱

یک دیدار رسمی وارد تهران گردید. او دیدار از ایران را مایه خرسندی فراوان خود می‌دانست و از مساعدت مقامات در جهت تسهیل مسافرت و همکاری ایران با ابوظبی و امارات دیگر سپاس‌گزاری کرد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۸/۱۳: ۱، ۴؛ ۱۳۴۷/۸/۱۸: ۱، ۴). با پیروزی ریچارد نیکسون در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در ابتدای آذر ۱۳۴۷، سیاست خارجی واشنگتن نیز در نزدیکی هرچه بیش‌تر به دولت پهلوی دچار تغییرات عمده‌ای گردید (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۸/۵/۵: ۱؛ ۱۳۵۱/۲/۹: ۱). بنابر گزارش کنگره آمریکا، ایران می‌توانست در زمانی کوتاه یک ابرقدرت منطقه‌ای تلقی شود (آوری ۱۳۸۸: ۱۴۷). روزنامه اطلاعات با اشاره به تحولات نوین دیپلماتیک جهان و حقوق ایران در منطقه خلیج فارس در سرمقاله‌ای با عنوان «ایران در حفظ حقوق خود سخت‌گیر است» تأکید کرد بدون هیچ تردیدی دولت ایران قدرت آن را دارد که از منافع خود در خلیج فارس دفاع کند و این حقوق را به جهت خود محفوظ می‌دارد که در صورت لزوم، از هیچ اقدامی ولو توسل به قدرت نظامی فروگذار نکند (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱۰/۱: ۲). در همین زمان، شیخ راشد بن سعید آل‌مکتوم، حاکم امارت دبئی، از طریق بندرعباس به تهران عزیمت کرد و با مقامات سیاسی و اقتصادی ایران دیدار کرد. او مراحم خاص ایران نسبت به شیوخ خلیج فارس را موجب سپاس‌گزاری کامل خود دانست (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱۰/۴: ۲۵).

۲.۴ موافقت با تشکیل فدراسیون شیوخ پس از شکل‌گیری سیاست جدید ایران در خلیج فارس

نخستین اظهارنظر رسمی شاه درمورد مسئله بحرین و تشکیل فدراسیون شیوخ در اواسط دی ۱۳۴۷/۱۵ اکتبر ۱۹۶۹ به‌هنگام دیدار وی از دهلی نو صورت گرفت. این سخنان دارای اهمیت فراوان و حائز نکاتی مشخص برای ترسیم سیاست‌های آتی ایران در منطقه خلیج فارس و دریای عمان بود:

این اولین بار است که من رسماً درباره مسئله سخن می‌گویم. این جزیره ۱۵۰ سال پیش توسط انگلیسی‌ها از وطن جدا شد. نمی‌توانیم بپذیریم جزیره‌ای که توسط انگلیسی‌ها از کشور ما جدا شده توسط ایشان ولی به حساب ما به کسان دیگری داده شود. این اصلی است که ایران نمی‌تواند از آن صرف‌نظر کند (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱۰/۱۵: ۱، ۱۷).

شاه در ادامه برای نخستین بار از تحول نگرش و چگونگی موضع‌گیری ایران درمورد حاکمیت و استقلال مجمع‌الجزایر بحرین سخن گفت:

ایران از سوی دیگر پیوسته با این سیاست خود دل‌بستگی داشته است که هرگز برای به‌دست‌آوردن اراضی و امتیازات ارضی علی‌رغم تمایل مردم آن سامان به زور متوسل نشود. من می‌خواهم بگویم اگر مردم بحرین مایل نباشند به کشور ما ملحق شوند، ما هرگز به زور متوسل نخواهیم شد؛ زیرا این خلاف اصول سیاست دولت ما است که برای گرفتن این سرزمین خود به زور متوسل شود. دوماً، گرفتن و حفظ کردن سرزمین، که مردم آن با شما ضدیت داشته باشد، چه فایده‌ای خواهد داشت. قبل از هرچیز این عمل اشغال محسوب می‌شود. در هر حال، بعد از اشغال شما باید مراقب سلامت و امنیت نیروهای اشغال‌گر خود باشید و در تمام اوقات سربازان شما باید در خیابان‌ها پاس بدهند و پیوسته در معرض خطر گلوله و نارنجک و این قبیل مخاطرات باشند. سیاست و فلسفه ما این است که با اشغال و گرفتن سرزمین‌های دیگر از طریق زور مخالف باشیم. این روشن‌ترین چیزی است که من می‌توانم در این زمینه به شما بگویم (همان).

با وجود این سخنان، شاه مجدداً تأکید کرد:

«اما نمی‌توانیم تحمل کنیم که چیزی را که به ما متعلق بوده است به کسان دیگر بدهند» (روزنامه کیهان ۱۳۴۷/۱۰/۱۶: ۱).

شاه در جواب سؤال در مورد امکان برگزاری referendum تعیین سرنوشت در بحرین نیز گفت: «من نمی‌خواهم در این موقعیت در این باره وارد جزئیات شوم، اما هرکاری که بتواند اراده مردم بحرین را به نحوی که نزد ما، شما، و همه جهان به رسمیت شناخته شود نشان دهد خوب است» (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱۰/۱۵: ۱۷؛ روزنامه کیهان ۱۳۴۷/۸/۱۵: ۱).

سخنان شاه در محافل سیاسی و مطبوعاتی ایران و جهان انعکاس فراوان هم‌راه با موضع‌گیری متفاوت داشت. روزنامه اطلاعات در سرمقاله خود مسئله بحرین را به مثابه استخوانی در لای زخم دانست که عدم حل این مشکل فرایند پیشرفت و نقش‌آفرینی نوین ایران در حوزه خلیج فارس و دریای عمان را با مشکل روبه‌رو می‌ساخت (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱۰/۱۹: ۲؛ ۱۳۴۷/۱۰/۱۶: ۲).

پس از اعلام نظر رسمی مقامات ایران در مورد بحرین، حقوق قانونی ایران، و آینده این جزیره برخی از مطبوعات جهان عرب سیاست تهران را در منطقه خلیج فارس مورد هجوم و چالش قرار دادند. هفته‌نامه صوت الخلیج چاپ کویت در شماره اخیر خود در مقاله‌ای تحت عنوان «شاهنشاه ما اعتراض داریم» به سخنان شاه اعتراض کرد و مسئله پان‌عریسم را مشخصه اصلی این جزیره دانست. هفته‌نامه الحدث نیز خواستار تشکیل یک نیروی دریایی عربی با هدف مقابله با تحول نقش‌آفرینی ایران شد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۱۰/۲۲: ۱، ۱۷).

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۴۳

مقامات تهران در جواب این‌گونه انتقادات چپ‌گرایان جهان عرب ایران را دارای بیش‌ترین حق دعوی بر بحرین دانستند، درحالی‌که باوجود توان‌مندی نظامی، قدرت احقاق حق و اعمال نظر عملی و واقعی خود را نیز دارا بود (روزنامه‌/اطلاعات ۱۳۴۷/۱۰/۲۳: ۲). مقارن با نظرها، سیاست، و موضع‌گیری جدید ایران درباره بحرین و فدراسیون شیوخ، شیخ خلیفه بن زاید آل‌نهیان، ولی‌عهد ابوظبی، در رأس یک هیئت سیزده‌نفره به تهران مسافرت کرد؛ امری که نشان‌دهنده روابط و پیوندهای تنگاتنگ ایران با سرزمین‌های جنوب خلیج فارس باوجود تمامی تبلیغات منفی بود (روزنامه‌/اطلاعات ۱۳۴۸/۲/۲: ۲۱). هم‌چنین، شیخ مکتوم بن راشد آل‌مکتوم، ولی‌عهد دبی، در اوایل خرداد ۱۳۴۸، ضمن مسافرت به تهران، با شاه دیدار کرد (روزنامه‌/اطلاعات ۱۳۴۸/۳/۳: ۱).

درخلال اجلاسیه شانزدهم وزیران سازمان پیمان ستو، که در ۵ خرداد ۱۳۴۸/۲۶ می ۱۹۶۹ در تهران برگزار گردید، مسئله بحرین و تشکیل فدراسیون شیوخ جنوب خلیج فارس از موضوعات عمده موردبحث بود. اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه ایران، در مصاحبه‌ای با مطبوعات و جراید داخلی و خارجی اعلام کرد که تهران از تشکیل فدراسیون شیوخ درصورت عدم حضور و شراکت بحرین، که ایران آن را جزئی از خاک خود می‌داند، حمایت خواهد کرد (روزنامه‌/اطلاعات ۱۳۴۸/۳/۷: ۱، ۲). زاهدی برای نخستین بار نیز از نقش سازمان ملل در حل‌وفصل مسالمت‌آمیز قضیه بحرین سخن گفت (همان).

پیرو گفت‌وگوهای فشرده میان لندن و تهران برای رفع اختلافات فی‌مابین، آخرین مرحله از مذاکرات حساس در ۸ خرداد این سال انجام گرفت و مقامات از نتایج به‌دست‌آمده ابراز رضایت کردند. رادیو لندن و روزنامه‌تایمز لندن ضمن بررسی مذاکرات پیچیده طرفین از اهمیت مسئله ارسال پرونده بحرین به سازمان ملل سخن گفتند (روزنامه‌/اطلاعات ۱۳۴۸/۳/۸: ۴). بااین‌حال مایکل استوارت (Michael Stewart) (۱۹۰۶-۱۹۹۰ م)، وزیر خارجه دولت کارگری انگلیس، در مصاحبه‌ای با جراید در روز پنج‌شنبه ۸ خرداد ۱۳۴۸/۲۹ مه ۱۹۶۹ اذعان کرد که اختلافات ایران و انگلستان بر سر مالکیت بحرین هم‌چنان وجود دارد، اما برای برطرف کردن این موارد امید فراوانی است. استوارت هم‌چنین به ارتباط تشکیل فدراسیون شیوخ خلیج فارس با چگونگی موضع‌گیری ایران اشاره کرد (روزنامه‌/اطلاعات ۱۳۴۸/۳/۱۰: ۵). در همین زمان، شاه در مصاحبه‌ای با عبدالعزیز المساعید، نماینده مجلس کویت و مدیر روزنامه‌الرأی العام این کشور، رسماً به استقلال یک‌جانبه و خودسرانه بحرین هشدار داد (روزنامه‌/اطلاعات ۱۳۴۸/۳/۱۱: ۱۷).

پیرو این تحولات، عباس مسعودی (۱۲۷۴-۱۳۵۳ ش)، نماینده مجلس و مدیر مؤسسه اطلاعات، در مجموعه گزارش‌هایی که پس از دیدار از کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس منتشر کرد به نفوذ عنصر و فرهنگ ایرانی در این مناطق اشاره کرده است. او پس از دیدار با شیخ زاید آل‌نهیان، امیر امارت ابوظبی، از صداقت و صمیمیت وی با ایران سخن گفت و عنوان کرد که تهران به نوعی «چشم امید» آن‌ها برای حمایت و پیشرفت‌های اقتصادی به‌شمار می‌رفت (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۸/۳/۱۵: ۷). اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه ایران، در اول مرداد ۱۳۴۸/۲۳ جولای ۱۹۶۹ در ملاقاتی با سفیر یوگسلاوی، ضمن بررسی تحولات خلیج فارس و تشکیل فدراسیون شیوخ، بر حقوق قانونی در بحرین، که جزئی از خاک ایران محسوب می‌گردید، و همچنین احترام به خواسته و تصمیمات مردمان ساکن این مجمع‌الجزایر تأکید کرد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۸/۵/۲: ۱۷). زاهدی در این گفت‌وگو به‌طور روشن از به‌کارگیری قدرت قهریه در دفاع از حقوق ایران در صورت عدم توجه به منافع و علایق تهران سخن گفت که هشدار برای پیمان‌شکنان خارجی و منطقه‌ای محسوب گشت (همان). در اواسط شهریور این سال، شاه در مصاحبه‌ای با خبرنگار روزنامه دان پاکستان در کاخ سعدآباد مجدداً از عدم مخالفت با تشکیل فدراسیون شیوخ خلیج فارس در صورت رعایت و در نظر گرفتن حقوق و منافع مردم ایران تأکید کرد. توجه به خواسته حقیقی ساکنان بحرین با نظارت شورای امنیت سازمان ملل و علاقه‌مندی ایران به پیشرفت و سعادت منطقه خلیج فارس از دیگر مسائلی بود که شاه بر آن تأکید کرد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۸/۶/۱۱: ۱، ۴). نشریه یونینگ نیوزلندن (London Evening News) در شماره ۲۲ شهریور ۱۳۴۸/۱۳ سپتامبر ۱۹۶۹ مصاحبه مفصل شاه با روی روبک (Roy Rubik)، نویسنده این روزنامه و عضو حزب کارگر و نماینده مجلس عوام انگلیس، را منتشر کرد. در این گفت‌وگو نیز شاه بر عدم صرف‌نظر کردن ایران از حقوق و منافع خود در بحرین تأکید کرد. به گفته وی، ایران تنها هنگامی تأسیس فدراسیون شیوخ را به رسمیت می‌شناخت که وضعیت بحرین با نظارت سازمان ملل مشخص شده باشد. شاه هم‌چنین تهدید کرد که در صورت عضویت خودسرانه بحرین در سازمان ملل، ایران عضویت خود را در این سازمان لغو و آن را ترک خواهد کرد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۸/۶/۲۳: ۱، ۴). در ادامه رای‌زنی‌ها و توسعه روابط با شیوخ عرب خلیج فارس، شیخ راشد بن سعید آل‌مکتوم، امیر امارت دبی، در ۹ مهر این ۱۳۴۸/یکم اکتبر ۱۹۶۹، برای دیدار یک‌هفته‌ای به ایران مسافرت کرد و ضمن ملاقات با مقامات ارشد سیاسی، از دستاوردهای اقتصادی و کارخانجات ماشین‌سازی بازدید کرد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۸/۷/۷: ۹، ۱۶). در اوایل آبان ۱۳۴۸، امارات جنوب خلیج فارس طی کنفرانسی در ابوظبی درمورد تشکیل فدراسیون اعراب به گفت‌وگو پرداختند. وزارت امور

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۴۵

خارجۀ ایران طی اطلاعیه‌ای ضمن واکنش صریح و روشن به این‌گونه اقدامات اعلام کرد تا روشن‌گشتن نهایی وضعیت بحرین تأسیس این فدراسیون «به‌هیچ‌وجه» از سوی ایران موردپذیرش قرار نخواهد گرفت (روزنامۀ اطلاعات ۱۳۴۸/۸/۳: ۱، ۴). روزنامۀ آیندگان در سرمقاله خود با اشاره به تشکیل این کنفرانس آن را تلاش شتاب‌زده انگلستان در تسریع تأسیس فدراسیون شیوخ دانست (روزنامۀ آیندگان ۱۳۴۸/۸/۸: ۲). در اواخر آذر ۱۳۴۸، شیخ صقر بن محمد القاسمی، حاکم امارت رأس‌الخیمه، که در مرداد سال گذشته نیز در ایران اقامت داشت، به تهران مسافرت کرد و با شاه و اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه، دیدار کرد. زاهدی در گفت‌وگو با وی از تلاش‌های مستمر ایران در جلوگیری از جای‌گزینی نیروهای غیرمنطقه‌ای و استقرار ثبات و آرامش در خلیج فارس سخن گفت (روزنامۀ اطلاعات ۱۳۴۸/۹/۲۹: ۱؛ ۱۳۴۸/۹/۳۰: ۱، ۴، ۱۶). هم‌چنین، در اواخر دی این سال، شیخ خالد بن محمد القاسمی، حاکم شارجه، وارد ایران شد و با شاه و زاهدی مذاکراتی را انجام داد (روزنامۀ اطلاعات ۱۳۴۸/۱۰/۲۷: ۱، ۴؛ ۱۳۴۸/۱۰/۲۹: ۱). شیخ خالد بن سلطان القاسمی، پسرعموی حاکم شارجه و رئیس اداره بنادر و دریانوردی این امارت، که همراه با وی در تهران به‌سر می‌برد، نیز روابط مابین شارجه و ایران را از بهترین روابط دوستانه، که ممکن است میان دو ملت مسلمان وجود داشته باشد، توصیف کرد (روزنامۀ اطلاعات ۱۳۴۸/۱۰/۲: ۲۰).

در بهمن ۱۳۴۸، شاه مصاحبه‌ای را با روزنامۀ اکسیون (Axion) تونس انجام داد و مجدداً سیاست ایران را در عدم به‌رسمیت‌شناختن فدراسیون شیوخ تا پیش از مشخص شدن وضعیت بحرین ابراز کرد (روزنامۀ اطلاعات ۱۳۴۸/۱۱/۱۳: ۴). اردشیر زاهدی، وزیر خارجۀ ایران، در ابتدای اسفند این سال گفت‌وگوی میسوطی را درباره تحولات منطقه‌ای با خبرگزاری فرانسه انجام داد و سیاست ایران را درقبال فدراسیون شیوخ و بحرین تشریح کرد:

ایران بدون چشم‌پوشی از این اعتقاد، که بحرین از لحاظ تاریخی جزء لایتجزایی از خاک ایران است، مع‌هذا به‌پیروی از اصول احترام به حق حاکمیت ملت‌ها، پیش‌نهاد کرده است که برای تعیین سرنوشت بحرین و آیندۀ سیاسی آن به آرای عمومی مردم این جزایر مراجعه نموده و نتیجۀ این رفراندوم از طرف سازمان ملل متحد تعیین گردد. به‌هرحال، ایران قادر به شناسایی فدراسیونی که بحرین یکی از اعضای آن باشد نیست و برخی از شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و مخصوصاً شارجه و رأس‌الخیمه ظاهراً این نکته را درک کرده‌اند و با نظر ایران موافق هستند (روزنامۀ اطلاعات ۱۳۴۸/۱۲/۵: ۱، ۲۴).

فریدون ظلی، معاون سیاسی وزارت خارجۀ ایران، در ۲۵ اسفند ۱۳۴۸/۱۶ مارس ۱۹۷۰، ضمن سخن‌رانی در کلوپ روتاری تحت عنوان «نقش دولت شاهنشاهی در حفظ و ثبات صلح

جهانی» با ذکر این که مسئله بحرین می بایست به صورت دنیاسپندانده حل گردد برای نخستین بار آشکار ساخت که برای حل اساسی این موضوع دولت ایران لایحه ای را تقدیم مجلس خواهد کرد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۸/۱۲/۲۶: ۱، ۲۱، ۲۴). پیرو این فرایند، اردشیر زاهدی در ۹ فروردین ۱۳۴۹/۲۹ مارس ۱۹۷۰ طی یک سخنرانی در جلسه مشترک مجلسین شورای ملی و سنا گزارش رسمی اقدامات دولت ایران را درمورد مسئله بحرین به استماع نمایندگان رساند. در این گزارش مفصل، وی با اشاره به سوابق تاریخی حاکمیت ایران بر این مجمع الجزایر از تلاش استعمار انگلستان برای عدم اعاده بحرین به ایران سخن گفت (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۹/۱/۹: ۱، ۱۳). وی با عنوان کردن این مسئله که «اکنون، باتوجه به تحولات فعلی و آینده خلیج فارس، ضرورت حل این مشکل دیرین بیش از هر موقع دیگر احساس می شود» از مذاکرات با دولت انگلستان و تفاهم لندن و تهران برای ارجاع پرونده بحرین به سازمان ملل برای نخستین بار و رسمی سخن گفت (همان). باوجود این، زاهدی تأکید کرد که در صورت علاقه مندی مردم بحرین به ایران، با تمام توان از آن حمایت خواهد شد. با تعیین ویتوریو وینسر گیچاردی (Vittorio Winsor Guicciardi)، معاون دبیر کل و مدیر کل دفتر سازمان ملل در ژنو به عنوان مسئول بحرین، او در رأس یک هیئت شش نفره در ۱۱ فروردین ۱۳۴۹/یکم مارس ۱۹۷۰ به این مجمع الجزایر مسافرت کرد و مقدمات بررسی چگونگی موضع گیری مردم آن تهیه شد (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۹/۱/۱۰: ۱، ۴؛ زندفرد ۱۳۸۰: ۶۷-۶۸). مسئله انتخابات در بحرین و سرنوشت آن مورد بحث و بررسی های محافل سیاسی و مطبوعاتی در ایران و جهان قرار گرفت (مجله امید/ایران ۱۳۴۹: ۲). پیروی از سیاست صلح جویانه ایران و ستایش آن در سطوح بین المللی مهم ترین مشخصه این گونه تحلیل ها بود (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۹/۱/۱۰: ۱). شیخ نشین های خلیج فارس نیز سیاست ایران را مورد تجلیل قرار دادند و آن را نشان دهنده حسن نیت در حل مسالمت آمیز اختلافات دانستند (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۹/۱/۱۱: ۱، ۴). مقارن با ارجاع پرونده بحرین به سازمان ملل، امارت قطر در ۱۵ فروردین ۱۳۴۹/۴ آوریل ۱۹۷۰ به عنوان نخستین امیر نشین منطقه خلیج فارس اعلام استقلال کرد و بلافاصله شیخ احمد بن علی آل ثانی، حاکم قطر، درخواست مسافرت به ایران و دیدار با مقامات بلند پایه با هدف کسب حمایت تهران کرد؛ امری که نشان دهنده جایگاه برتر و نقش آفرینی ممتاز و همه جانبه ایران در معادلات منطقه خلیج فارس و دریای عمان بود (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۹/۱/۱۶: ۱۳؛ ۱۳۴۹/۱/۱۵: ۱، ۴). وی در دیدار با شاه در ۱۹ فروردین سیاست ایران در حل مشکلات منطقه را دلیل حسن نیت آن در قبال همسایگان دانست (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۹/۱/۱۸: ۱، ۴؛ ۱۳۴۹/۱/۱۹: ۱، ۱۶). روزنامه اکسپرس (L'Express) فرانسه در اشاره ای به تحولات خلیج

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۴۷

فارس و مسافرت شیخ قطر تنها چند روز پس از اعلام استقلال آن را نشان‌دهنده حقیقت روشن توان‌مندی ایران دانست (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۱/۲۴: ۱، ۴). در ۱۳ اردیبهشت ۱۳۴۹/۳ مه ۱۹۷۰، گزارش هیئت سازمان ملل پس از نوزده روز اقامت در بحرین منتشر گردید و ساکنان این مجمع‌الجزایر رأی به استقلال کامل دادند (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۲/۱۳: ۱، ۴). متن گزارش بلافاصله به‌وسیله نمایندگان ایران و انگلستان به اطلاع مقامات مسئول خود رسید. مهدی وکیل، نماینده دائمی در مقر سازمان ملل، درباره این گزارش چهارهزارکلمه‌ای با اعضای پانزده‌گانه شورای امنیت به تبادل نظر و گفت‌وگو پرداخت و خواستار تشکیل جلسه فوق‌العاده این شورا درباره گزارش دبیر کل درمورد بحرین گشت (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۲/۱۶: ۱، ۴). درنهایت، در ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۹/۱۱ مه ۱۹۷۰، گزارش استقلال بحرین به تصویب شورای امنیت رسید (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۲/۲۱: ۱، ۱۵؛ ۱۳۴۹/۲/۲۲: ۱، ۴۰). اردشیر زاهدی، وزیر امور خارجه، نیز در برابر نمایندگان مجلس به تشریح سیاست جدید ایران در خلیج فارس و فرایند استقلال بحرین پرداخت (ساکما، ۱۲۲۵۴۶/۲۹۳). پس از این روی‌داد، گزارش دولت ایران درمورد استقلال بحرین در جلسه فوق‌العاده مجلس با ۱۸۶ رأی موافق درمقابل ۴ رأی مخالف به تأیید رسید. این گزارش در ۲۸ اردیبهشت به اتفاق آرا نیز در مجلس سنا تصویب گشت (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۲/۲۴: ۱، ۴؛ ۱۳۴۹/۲/۲۸: ۱، ۴).

شاه در مصاحبه‌ای با خبرنگاران رادیو تلویزیون فرانسه، که مستقیماً در اروپا پخش شد، با بررسی جامع از تحولات خلیج فارس و پذیرش استقلال بحرین، آن را به مسئله خروج نیروهای انگلیسی از خلیج فارس قبل از پایان سال ۱۹۷۱ مرتبط ساخت (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۳/۶: ۱، ۴). ملک فیصل، پادشاه عربستان و شریک راه‌بردی ایران در معادلات جدید خلیج فارس، نیز تصمیم تهران به حل مسئله بحرین را یک «پیروزی سیاسی» برای آن دانست (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۳/۱۸: ۱، ۲۰). وزارت خارجه ایران نیز در کتاب سبز خود با اشاره به روی‌داد بحرین عنوان کرد که «ایران توسل به زور را عامل اجرای سیاست و کسب افتخارات ملی نمی‌داند» (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۳/۲۵: ۱، ۴؛ ساکما، ۱۹۵۲۵/۲۹۷). هویدا، نخست‌وزیر، با اشاره به این تحول اظهار داشت لازم بود تدابیر دوراندیشانه‌ای برای حفظ منافع جهانی ملت ایران اتخاذ گردد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۲/۲۴: ۱، ۴).

سناتور عباس مسعودی، رئیس مؤسسه اطلاعات، نیز طی سخنانی در وزارت کشور نتایج پذیرش استقلال بحرین از سوی ایران را «برطرف‌گشتن ابرهای تیره در آسمان روابط با ملل عرب بر سر این موضوع، دوستی و حسن مناسبات، و ایجاد روابط میان ایران و بحرین، پیدایش هم‌بستگی، اتحاد، و اتفاق کامل میان کلیه کشورها و ملل خلیج فارس، پیش‌گامی ایران

در حوادث آینده خلیج فارس، و سیادت مقتدرانه آن پس از خروج عناصر انگلیسی» دانست (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۱۴/۲: ۵).

مقارن با این تحولات، شیخ زاید بن سلطان آل نهیان، امیر ابوظبی، به ایران مسافرت کرد و ضمن دیدار با مقامات ارشد، از سیاست مسالمت‌آمیز ایران در قبال مسئله بحرین قدردانی کرد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۲/۲۶: ۱). هویدا نیز اظهار داشت اقدام ایران راه را برای همکاری «برادرانه» در تمام زمینه‌ها باز کرده است و در نتیجه به توسعه اقتصادی امارات خلیج فارس نیز کمک خواهد کرد (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۲/۲۷: ۱؛ ۱۳۴۹/۲/۲۸: ۱، ۴). در ابتدای خرداد این سال، هیئت حسن‌نیت ایران به ریاست منوچهر ظلی، معاون سیاسی وزارت امور خارجه، به بحرین مسافرت کرد و ضمن دیدار با شیخ این کشور، مقدمات مبادله موافقت‌نامه دوجانبه فراهم گشت (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۳/۲: ۱، ۴؛ ۱۳۴۹/۳/۳: ۱؛ ۱۳۴۹/۳/۴: ۱، ۴؛ ۱۳۴۹/۳/۵: ۱، ۴). متقابلاً، در ۲۴ خرداد، شیخ خلیفه بن سلمان آل خلیفه، رئیس شورای دولتی بحرین، پیام حکمران بحرین را تسلیم شاه کرد و از عدم مسئله مورد اختلافی مابین طرفین سخن گفت (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۳/۲۴: ۱، ۴؛ ۱۳۴۹/۳/۲۶: ۱، ۲۳). شاه در مراسم افتتاح اجلاسیه جدید مجلسین سنا و شورای ملی، که در تاریخ سه‌شنبه ۱۴/۱۳۴۹/۷/۶ اکتبر ۱۹۷۰ برگزار شد، مسئله بحرین، علل پذیرش این سیاست، و نتایج حاصل آن را تحلیل کرد:

ما در مورد جزایر بحرین با لزوم اتخاذ یک تصمیم تاریخی مواجه شدیم. می‌دانید که این جزایر چگونه در ۱۵۰ سال پیش از ایران جدا شدند و کسی چه می‌داند که در این مدت در آنجا چه فعل و انفعالاتی شده و تعداد جمعیت به چه نسبت و طریقی عوض شده است و آیا در حال حاضر اکثریت مردم آن سرزمین با الحاق به ایران احیاناً موافق یا طرفدار استقلال هستند؟ اگر احیاناً اکثریت طرفدار اشغال آنجا با نیروی قهریه از طرف ما باعث بروز یک دشمنی دامنه‌داری می‌شد که برای ما ضرر آن از نفع بیش‌تر بود. ولی اگر این اکثریت، ولو اکثریتی ضعیف، مایل به انضمام به خاک ما می‌شد، بدیهی است ما چشم‌پسته تمام مشکلات را قبول می‌کردیم و آرزوی آن‌ها را تحقق می‌بخشیدیم. پس از مسئله سازمان ملل این امر را پذیرفتیم (روزنامه/اطلاعات ۱۳۴۹/۱۴/۷: ۱، ۲۴).

یکی از نشریات نظامی نیز با تبعیت از سخنان شاه استقلال بحرین را چنین تجزیه و تحلیل کرد:

سیاست ایران بر این مبنا بود که پس از خروج نیروهای انگلیسی از منطقه خلیج برابر این [خط‌مشی] بود و ایران نمی‌توانست در عین حالی که مشغول مبارزه با بحرین است راه

چگونگی موضع‌گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمدجعفر چمنکار) ۱۴۹

دوستی خود را با سایر کشورها و واحدهای سیاسی خلیج هموار کند. باتوجه‌به عدم حکومت ایران بر بحرین به مدت ۱۵۰ سال، جز دشمنی و لشکرکشی و مخالفت امری را مسجل نمی‌ساخت. پذیرش استقلال برای نشان‌دادن حسن نیت و دیپلماسی صلح بود (مه‌نامه ارتش شاهنشاهی ۱۳۴۹: ۸).

به گفته شاه، گرایش به صلح و جذب قلوب نماینده سیاست کلی ایران در خلیج فارس بوده است (همان). پیرو این سیاست در ۲۸ آذر ۱۳۴۹ عیسی بن سلمان، حاکم بحرین، به ایران مسافرت و با شاه و سایر مقامات دیدار و گفت‌وگو کرد. او در سخنانی سیاست خردمندانه، آینده‌نگرانه، و صلح‌طلبانه ایران در منطقه خلیج فارس را ستود (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۹/۹/۲۸: ۴، ۱). شاه نیز با تبریک استقلال بحرین عنوان کرد که از عضویت منامه در سازمان ملل پشتیبانی می‌کند (روزنامه اطلاعات ۱۳۵۰/۵/۲۴: ۱، ۲، ۱۷). پس از استقلال بحرین، موافقت‌نامه تحدید حدود فلات قاره دو کشور امضا شد (گاه‌نامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی [بی‌تا]: ج ۴). مقررات سفر اتباع این کشور به ایران و نوع گذرنامه تدوین شد (ساکما، ۹۷/۲۹۳/۴۹۳۸: ۹۸/۲۹۳/۹۶۴۶)، تجهیزات موردنیاز بحرین از سوی ایران تأمین گشت (ساکما، ۲۲۰/۱۱۴۱۵: ۲۲۰/۳۹۱۵)، و در جهت تقویت بودجه مالی آن کشور، همکاری‌های متعدد فنی و اقتصادی انجام شد (ساکما، ۲۹۳/۸۹۶۳۵: ۲۴۵/۴۲۰۶). شرکت نمایندگان بحرین به‌عنوان عضو اصلی یا ناظر در مؤسسات و کنفرانس‌های بین‌المللی نیز بلامانع اعلام شد (ساکما، ۲۹۳/۴۸۹۸۹: ۹۷/۲۹۳/۴۸۰۹). پس از تصمیم قطعی دولت محافظه‌کار ادوارد هیث در خروج نظامیان انگلستان از خلیج فارس، در اواسط اسفند ۱۳۴۹، محافل بریتانیا از موافقت این کشور با حضور عناصر نظامی ایران بر جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، کوچک، و ابوموسی خبر دادند (روزنامه اطلاعات ۱۳۴۹/۱۲/۱۲: ۱، ۱۷؛ روزنامه آیندگان ۱۳۴۹/۱۲/۱۰: ۱؛ ۱۳۴۹/۱۲/۱۱: ۱). پیرو این تحولات، در ۹ آذر ۱۳۵۰/۳۰ نوامبر ۱۹۷۱ م، نیروهای ایرانی در سه جزیره پیاده شدند و پرچم ایران نیز بر فراز بلندترین قله ابوموسی به اهتزاز درآمد (استادوخ ۱۳۴۹-۱۳۵۰: کارتن ۲۵، پرونده ۱-۲۱؛ ۱۳۴۹-۱۳۵۰: کارتن ۴۰، پرونده ۴-۱). از دیدگاه مقامات ایران، رابطه تنگاتنگی بین استرداد جزایر سه‌گانه با تعیین تکلیف بحرین و کنفدراسیون شیوخ وجود داشت (علم ۱۳۷۱: ج ۱، ۶۱-۶۲). در ۸ اسفند ۱۳۴۹/۲۷ فوریه ۱۹۷۱، اجتماعی با شرکت حکام امارت‌های هفت‌گانه و شیوخ بحرین و قطر تشکیل شد و طرح تأسیس عملی کنفدراسیون امارات عربی متحد پی‌ریزی گردید. در دوم دسامبر ۱۹۷۱، کشور امارات عربی متحد شامل شش امارت ابوظبی، دبئی، شارجه، عجمان، ام‌القوین، و فجیره اعلام موجودیت کرد. یک سال بعد در سال ۱۹۷۲ امارت رأس‌الخیمه نیز به اتحادیه امارات پیوست (روزنامه رستاخیز ۱۳۵۴:

(۱۵)، اما قطر و بحرین به علت پاره‌ای اختلافات داخلی به این تشکیلات محلق نشدند. ایران نیز در ۹ خرداد ۱۳۵۰ / ۳۰ مه ۱۹۷۱ حمایت کامل خود را اعلام کرد. در هر دوی این روی‌داده‌ها، ایران با تأکید بر این مسئله، که دیگر وضعیت بحرین و استرداد جزایر سه‌گانه مشخص شده، هیچ‌گونه مخالفتی را نشان نداد (گاه‌نامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی [بی‌تا]: ج ۵، ۲۰۱۱) و با تخصیص بودجه لازم در توسعه اقتصادی، فرهنگی، و سیاسی شیوخ نوپای امارات اقدام کرد (ساکما، ۲۲۰/۶۴۵؛ ۲۲۰/۱۰۳۰؛ ۲۲۰/۵۶۰؛ ۶۱۸۵۳ / ۲۳۰؛ ۲۹۷/۲۰۶۲۷).

۵. نتیجه‌گیری

منطقه خلیج فارس و دریای عمان در اواخر دهه ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۰ م در سیاست داخلی و منطقه‌ای دولت پهلوی دوم جایگاه خاصی یافت. مجموعه تحولات سیاسی، اقتصادی، و نظامی داخلی و معادلات نوین جهانی سبب‌ساز این ارتقای جایگاه شده بود. زوال امپراتوری بریتانیا، که موجب عقب‌نشینی نیروهای انگلیس از این حوزه استراتژیک تا سال ۱۳۵۰ ش / ۱۹۷۱ م شده بود، رشد اقتصادی، توان‌مندی نظامی، و روابط تنگاتنگ ایران با جهان غرب و آمریکا در دوران حکومت ریچارد نیکسون از مهم‌ترین عوامل نقش‌آفرینی نوین ایران در منطقه شد. پس از تصمیم دولت انگلستان برای خروج نیروهای خود از سرزمین‌های شرق کانال سوئز و خلیج فارس، امارت‌های کوچک این منطقه خواستار تأسیس یک کنفدراسیون مابین خود گردیدند که بحرین نیز جزئی از آن بود. دولت پهلوی دوم با تأکید بر این استدلال، که بحرین بخشی جدایی‌ناشدنی از ایران است، با ایجاد این اتحادیه مخالفت کرد. این موضع‌گیری در تمام مذاکرات با مقامات انگلستان و آمریکا موردپافشاری جدی قرار گرفت. در اواخر این دهه، با مذاکرات طولانی و حساس متعدد، مقامات دولت شاهنشاهی حاضر به پذیرش استقلال بحرین در برابر بازگشت جزایر سه‌گانه تنب بزرگ، کوچک، و ابوموسی گشتند. پس از این روی‌داد، ایران با تشکیل کنفدراسیون امارت‌های خلیج فارس موافقت کرد. علت این چرخش ناگهانی تبدیل بحرین به یک کشور مستقل و جدایی آن از حاکمیت ایران اعلام شد. اگرچه سیاست منطقه‌ای ایران در دهه ۱۳۴۰ ش / ۱۹۶۰ م نسبت به دهه ۱۳۵۰ ش / ۱۹۷۰ م فاقد الگوی معین یا هدف‌مندی درازمدت بود، مقامات دولت شاهنشاهی با توجه به بافت کشورهای کوچک خلیج فارس و وضعیت سرزمینی و جغرافیای سیاسی آنان به منظور طراحی نظام امنیتی جدید، که ایران در آن نقش یک قدرت نظامی بازدارنده را داشت، از ادعای قدیمی و سستی خود درباره بحرین چشم پوشیدند. این مسئله پذیرش کنفدراسیون خلیج فارس و تسهیل تشکیل آن را موجب گشت.

چگونگی موضع گیری ایران در برابر تشکیل کنفدراسیون ... (محمد جعفر چمنکار) ۱۵۱

کتاب نامہ

آوری، پیتر (۱۳۶۸)، *تاریخ معاصر ایران از کودتای ۲۸ مرداد تا اصلاحات ارضی*، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.

آوری، پیتز (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران دوره پهلوی از رضاشاه تا انقلاب اسلامی*، دفتر دوم از جلد هفتم از مجموعه *تاریخ کمبریج*، ترجمه مرتضی ثاقب فر، تهران: جامی.

استادوخ (اداره اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه) (۱۳۳۲ ش)، ۱-۱۲-۶؛ (۱۳۴۹-۱۳۵۰ ش)، کارتن ۲۵، پرونده ۲۱-۱؛ (۱۳۴۹-۱۳۵۰ ش)، کارتن ۴۰، پرونده ۴-۱.

چمنکار، محمدجعفر (۱۳۸۴)، «دگرگونی نقش‌آفرینی ایران در خلیج فارس، ۱۳۵۰-۱۳۵۷ ش»، فصل‌نامه تاریخ روابط خارجی، س ۶، ش ۲۲.

چمنکار، محمدجعفر (۱۳۹۶)، نقش آفرینی ایران در خلیج فارس و دریای عمان، تهران: مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.

روزنامه‌ی *الرأی العام* الكويت (۲۹ أيلول ۱۹۶۹).

روزنامه‌آندگان ۱۳۴۸/۱۰/۱، ۱۳۴۸/۳/۱۱، ۱۳۴۸/۸/۸، ۱۳۴۹/۱۲/۱۰، ۱۳۴۹/۱۲/۱۱.

روزنامه اطلاعات ۱۳۴۷/۳/۸، ۱۳۴۷/۱/۱۴، ۱۳۴۷/۱/۱۵، ۱۳۴۷/۱/۲۷، ۱۳۴۷/۲/۱۸، ۱۳۴۷/۲/۲۲،

134V/5/3, 134V/5/2, 134V/V/1A, 134V/4/4, 134V/3/14, 134V/3/8, 134V/3/6, 134V/3/4

134V/1.0/4 134V/1.0/1 134V/1.1/1 134V/1.1/3 134V/6.1.0 134V/5.6 134V/5.5

١٣٤٨/٣/٣ , ١٣٤٨/٢/٢ , ١٣٤٧/١/٢٣ , ١٣٤٧/١/٢٢ , ١٣٤٧/١/١٩ , ١٣٤٧/١/١٦ , ١٣٤٧/١/١٥

١٣٤٨/٥/٥ ١٣٤٨/٥/٢ ١٣٤٨/٣/١٥ ١٣٤٨/٣/١١ ١٣٤٨/٣/١٠ ١٣٤٨/٣/٨ ١٣٤٨/٣/٧

134A/10/29, 134A/10/2V, 134A/9/30, 134A/9/29, 134A/1/3, 134A/V/V, 134A/6/11

1349/1/10, 1348/1/9, 1348/12/26, 1348/12/5, 1348/12/5, 1348/11/13, 1348/10/2

1349/1/24, 1349/1/19, 1349/1/18, 1349/1/15, 1349/1/16, 1349/1/11, 1349/1/1.

1349/3/18, 1349/3/6, 1349/2/28, 1349/2/24, 1349/2/22, 1349/2/21, 1349/2/13

1349/3/2, 1349/2/28, 1349/2/27, 1349/2/26, 1349/14/2, 1349/2/24, 1349/3/25

1349/9/28 1349/14/V 1349/3/26 1349/3/24 1349/3/5 1349/3/4 1349/3/3

.۱۳۵۱/۲/۹ .۱۳۵۰/۵/۲۴

روزنامه رستاخیز (آذر ۱۳۵۴)، ش ۱۸۴.

روزنامه فرمان ۱۳۳۶/۱۰/۱۸.

روزنامہ کیہان ۱۳۴۷/۴/۱۸، ۱۳۴۷/۶/۶، ۱۳۴۷/۸/۱۵، ۱۳۴۷/۱۰/۱۶.

زرین قلم، علی (۱۳۳۷)، *سرزمین بحرین از دوران باستان تا امروز*، تهران: سپهرس.

- زندفرد، فریدون (۱۳۸۰)، *ایران و جهانی پرتلاطم، خاطراتی از خدمت در وزارت امور خارجه*، تهران: شیرازه.
- ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)، ۲۳۰/۳۸۵۵۴، ۲۳۰/۷۴۰۶، ۲۹۳/۱۲۲۵۴۶، ۲۹۷/۱۹۵۲۵، ۲۹۳/۴۸۹۸۹، ۲۴۵/۴۲۰۶، ۲۹۳/۸۹۶۳۵، ۲۲۰/۳۹۱۵، ۲۲۰/۱۱۴۱۵، ۹۸/۲۹۳/۹۶۴۶، ۹۷/۲۹۳/۴۹۳۸، ۲۹۷/۲۰۶۲۷، ۲۳۰/۶۱۸۵۳، ۲۲۰/۵۶۰، ۲۲۰/۱۰۳۰، ۲۲۰/۶۴۵، ۹۷/۲۹۳/۴۸۰۹.
- سعیدوزیری، منوچهر (۱۳۸۷)، *جست و جو در گذشته*، تهران: زریاب.
- علم، اسدالله (۱۳۷۱)، *گفت و گوی من با شاه، خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم*، گروه مترجمان، تهران: طرح نو.
- گاهنامه پنجاه سال شاهنشاهی پهلوی [بی تا]، به اهتمام کتابخانه ملی پهلوی، ج ۴ و ۵، پاریس: سهیل.
- مجله امید/ایران (آذر ۱۳۳۶)، ش ۲۵.
- مجله امید/ایران (۱۳۴۹)، ش ۸۱۷.
- مجله بامشاد ۱۳۴۲/۱۱/۷.
- مجله تهران مصور ۱۳۳۶/۱۰/۷.
- مجله خواندنی‌ها ۱۳۳۶/۸/۲۸.
- مجله روشن فکر ۱۳۳۵/۱/۱۶.
- مجله تاریخ ایران (۱۳۹۰)، بازیابی در: <<http://tarikhirani.ir/fa>>
- مجله میراث ایران، بازیابی در: <<https://persian-heritage.com>>
- مه‌نامه ارتش شاهنشاهی (۱۳۴۹)، ش ۲.
- میلانی، عباس (۱۳۹۲)، *نگاهی به شاه*، تورنتو: پرشین سیرکل.
- نشریه خوشه ۱۳۳۵/۱/۱۷.
- نهادی، هوشنگ و ایو بوماتی (۱۳۹۲)، *محمد رضا شاه پهلوی آخرین شاهنشاه*، ترجمه دادمهر، لس آنجلس: شرکت کتاب.
- هفته‌نامه اطلاعات هفتگی (آذر ۱۳۳۵)، ش ۷۹۴.
- هفته‌نامه صوت الخليج (۲۵ ايلول ۱۹۶۹).
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۸)، *تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی*، تهران: ناشر مؤلف.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۸)، *اردشیر زاهدی و اشاراتی به رازهای ناگفته*، تهران: پیکان.